

فصلنامه «مطالعات نظریه و انواع ادبی»

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه حکیم سبزواری
سال دوم، شماره پنج، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۰-۱۰۳

کارکرد فرانش تجربی در رمان مثل همه عصرهای زویا پیرزاد با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی

حسن دلبری^{۱*} نسرین صادقی نیا^۲

دانشگاه حکیم سبزواری

سبزوار، ایران

چکیده

پیش از پیدایش گرایش‌های جدید در حوزه زبان‌شناسی، واحد بررسی زبان «جمله» بود اما در گرایش‌های جدید، از جمله زبان‌شناسی نقش‌گرا، متن نیز مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. هلیدی یکی از زبان‌شناسان مکتب نقش‌گراست که به تحقیق در مورد ساختمان متنی کلام پرداخته و صورت زبان را در ارتباط با معنا و نقش آن بررسی کرده‌است. هدف این مقاله، تحلیل و بررسی فرانش تجربی در مجموعه داستان *مثل همه عصرها* نوشته زویا پیرزاد است. مبنای نظری پژوهش نظریه دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی است و مسئله اصلی آن چگونگی افکار و دنیای درون صاحب اثر بر مبنای بررسی انواع فرایندهای موجود در افعال و تعیین بسامد و تکرار آن‌هاست. در این راستا، بدنه مقاله را بررسی افعال موجود در داستان‌های کوتاه زویا پیرزاد، با روش توصیفی - تحلیلی تشکیل می‌دهد؛ به این ترتیب که متن شش داستان کوتاه در قالب شش فرایند مادی، ذهنی، ارتباطی، رفتاری، بیانی و وجودی طبقه‌بندی و الگوی کاربرد فرایندها ارائه و با تکیه بر این بسامدها، طرز تفکر و نگرش این نویسنده مشخص می‌شود. در پایان، این نتیجه حاصل می‌شود که فرایند مادی و سپس فرایند رفتاری به عنوان مشخصه سبک‌شناختی داستان‌های پیرزاد است. از سوی دیگر، با توجه به کاربست فراوان فرایند مادی می‌توان گفت که دیدگاه پیرزاد واقع‌گرایانه است.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی نقش‌گرا، هلیدی، فرانش تجربی، *مثل همه عصرها*، زویا پیرزاد.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول):

Hassan.delbary@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات تطبیقی، دانشگاه حکیم سبزواری:

bahare91411@chmail.ir

زمان پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

زمان دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۸

۱- مقدمه

زبان به دلیل ماهیت زنده و پویای خود در جریان دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، تحوّل می‌یابد و ویژگی‌های خاصی در ساختار و محتوای آن وارد می‌شود که در تحلیل باید به آن‌ها توجه داشت. دوره معاصر شاهد تغییرات بنیادین در نگرش ناقدان ادبیات به زبان و ارتباط آن با ادبیات بوده‌است؛ تاپیش از این دوره، زبان تنها به عنوان ابزار نویسنده تلقی می‌شد که به وسیله او برای رسیدن به مقاصد خاص خود و ایجاد تأثیرات مورد نظر به کار می‌رفت؛ اما با انتشار مقالات فردینان دو سوسور (۱۹۱۳-۱۸۷۵ م) زبان‌شناس سوئیسی، تحت عنوان *درس‌هایی در زبان‌شناسی همگانی* در زمینه دانش زبان‌شناسی و بررسی و توصیف زبان، انقلاب عظیمی صورت گرفت و از آن پس زبان به شیوه‌ای علمی مورد بررسی و توجه قرار گرفت. هلیدی، بنیان‌گذار زبان‌شناسی نقش‌گرا همیشه بر این مسئله تأکید دارد که زبان با اجتماع ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ به طوری که معنا، به عنوان، «شرحی از یک نوع فرایند، بیان یک فعالیت یا هر چیز دیگری از دنیای واقعی بیرونی در زبان مطرح می‌شود» (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۸)؛ بنابراین، می‌توان زبان را پل ارتباطی بین تفکرات و دنیای درون نویسنده با تجربیات بیرونی‌اش دانست.

نویسنده در متن داستان، با اعمال گزینش‌هایی از میان عناصر نظام زبان، اعمال، تفکرات و احساسات خود و شخصیت‌های داستان را منعکس می‌کند. در لایه‌هایی از گزینش‌ها، نویسنده با انتخاب فعل روبه‌روست. فعل، در واقع، تجلی زبانی شدن فرایندهای مادی، ذهنی و... است. لذا نویسنده، با توجه به معنای مورد نظرش و انتقال آن به خواننده، فعلی را از میان افعال موجود در زبان انتخاب می‌کند (ر.ک: آقاگل زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵۲).

در پژوهش حاضر، با توجه به رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند که مدّعی است در کارکرد تجربی، کاربر زبان تجربیات خود را از دنیای بیرون از طریق زبان بیان می‌کند، برای دستیابی به اندیشه‌ها و باورهای زویا پیرزاد، ده داستان کوتاه او، به طور تصادفی، بررسی و تحلیل شده‌است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که می‌تواند پیشینه این مقاله قلمداد شود در دو دسته جای می‌گیرد:

دسته نخست، پژوهش‌هایی مبتنی بر آثار زویا پیرزاد که از آن میان می‌توان پایان‌نامه‌های نقد و بررسی آثار زویا پیرزاد (حسن‌زاده دستجردی، ۱۳۸۴) و بررسی تکنیک‌های روایت در آثار زویا پیرزاد (خرسند، ۱۳۹۱) را نام برد. از مقاله‌ها نیز می‌توان به «شخصیت‌پردازی در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد» (گودرزی‌نژاد، ۱۳۸۸)، «بررسی سبکی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» (پهلوان‌نژاد و وزیرنژاد، ۱۳۸۸)، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد» (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۹۱)، «خوانش رمزگان اجتماعی در مجموعه داستان طعم گس خرمالو اثر زویا پیرزاد با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی» (فرهنگی، سهیلا؛ صدیقی چهارده، زهرا، ۱۳۹۲)، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد» (نیکوبخت، ناصر و دیگران، ۱۳۹۱)، مقاله «روایت گذر از سنت به مدرنیته در داستان طعم گس خرمالو» زویا پیرزاد (گلی، احمد؛ محمدی، فرهاد؛ نظری، سمیرا، ۱۳۸۹) و «پرسونا از دیدگاه زویا پیرزاد»، (ترکمانی باراندوزی، وجیهه؛ چمنی، گلزار، ۱۳۹۳) اشاره کرد. نیز در زمینه بررسی آثار زویا پیرزاد از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌توان از مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبکی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم - با رویکرد فرانتش میان فردی نظریه نقش‌گرا» (محمد رضا پهلوان‌نژاد) و پایان‌نامه سبک‌شناسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با رویکرد نقش‌گرای هلییدی (وزیرنژاد، فائزه، ۱۳۸۷) نام برد.

دسته دوم، آثاری است که نگارندگان را در فهم و ترجمه‌ی مناسبی از نظریه هلییدی کمک کرد: مقاله «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا» (فردوس آقاگل زاده و دیگران، ۱۳۹۰)، مقاله «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» (مسبوق، مهدی؛ دلشاد، شهرام، ۱۳۹۵)، مقاله «درآمدی به شعرشناسی نقش‌گرا، رویکردی زبان‌شناختی» (خان‌جان، علیرضا؛ میرزا، زهرا، ۱۳۸۵)، مقاله «بررسی و تحلیل نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتو نظریه نقش‌گرای هلییدی» (الحسینی، راضیه‌سادات و دیگران، ۱۳۹۵)، مقاله «تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آن‌گاه پس از تندر) رویکردی نقش‌گرا، زبان‌شناخت» (عاصی، مصطفی؛ نوبخت، محسن، ۱۳۹۰)، مقاله «بررسی آغازگرهای فرانتش متنی در عبهرالعاشقین روزبهان نقلی» (خطیبی، محمدمهدی و علوی‌مقدم، مهیار، ۱۳۹۶)، مقاله «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» (پورنامداریان، تقی؛ ایشانی، طاهره، ۱۳۸۹) مقاله «بررسی آغازگر نشان‌دار و بی‌نشان در کتب زبان‌انگلیسی مقطع متوسطه در ایران، براساس

رویگرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، (عرب زوزنی، محمدعلی؛ پهلوان‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۴)، مقاله «سبک‌شناسی و جهان‌بینی بشاربن برد بر اساس رویکرد نقش‌گرا» (جرفی، محمد؛ یادگاری، مریم، ۱۳۹۵)، مقاله «بررسی شعر «یادداشت‌های درد جاودانگی» قیصر امین‌پور بر اساس نظریه نقش‌گرایی هلیدی» (ایران‌زاده، نعمت‌الله؛ مرادی، کبری، ۱۳۹۴)، مقاله «بررسی سبکی یک داستان کوتاه معاصر از منظر نقش‌گرایی هلیدی، زبان و زبان‌شناسی» (مصطفوی، پونه؛ صنعتی، مرضیه، ۱۳۹۵)، مقاله «مطالعه خروج بند موصولی در متون روایی زبان فارسی با رویکردی نقش‌گرا: شواهدی از جلد‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی، زبان فارسی و گویش‌های ایرانی» (مولایی کوهبنانی، حامد و دیگران، ۱۳۹۴)، مقاله «بررسی متون خواننداری مجموعه «فارسی بیاموزیم» براساس نقش‌های هفت‌گانه زبان از دیدگاه هلیدی» (رضایی، حدائق؛ علی-پور، محمد، ۱۳۹۱)؛ مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبانشناسی نقش‌گرا» (طاهره ایشانی، ۱۳۹۳) و مقاله «شانه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران» (نقابی و قربانی، ۱۳۸۹).

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌هایی که درباره آثار زویا پیرزاد منتشر شده‌اند، به رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم توجه داشته‌اند. شایان یادآوری است کمتر مقاله‌ای به دیگر آثار او پرداخته است و تا کنون پژوهشی با این رویکرد در اثر مثل همه عصرهای زویا پیرزاد انجام نشده است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱. نگاهی به زندگی و آثار زویا پیرزاد

زویا پیرزاد، داستان‌نویس معاصر در سال ۱۳۳۱ در آبادان از مادری ارمنی تبار و پدری روس تبار به دنیا آمد. در همان‌جا به مدرسه رفت و در تهران ازدواج کرد و دو پسرش ساشا و شروین را به دنیا آورد. او نوشتن را با خلق سه مجموعه داستان به نام‌های مثل همه عصرها (۱۳۷۰)، «طعم گس خرمالو» (۱۳۷۶) و «یک روز مانده به عید پاک» (۱۳۷۷) آغاز کرد؛ این سه مجموعه بعدها توسط نشر مرکز در کتابی با نام «سه کتاب» در سال ۱۳۸۱ منتشر شد. وی در سال ۱۳۸۰ رمانی با نام «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» به چاپ رسانید که برنده‌ی بهترین رمان فارسی سال ۱۳۸۰ شد و رمان بعدی پیرزاد با عنوان «عادت می‌کنیم» در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسید.

زویا پیرزاد دو کتاب *الیس در سرزمین عجایب* اثر لوییس کارول و *آوای جهیدن غوک* که مجموعه‌ای از شعرهای ژاپنی است را نیز ترجمه کرده است. وی از جمله محبوب‌ترین داستان نویسان معاصر است که دارای سبک نئورئالیستی و فمینیستی است و تمام کتاب‌های وی توسط کریستف بالایی به زبان فرانسه ترجمه و در انتشارات زولما به چاپ رسیده است.

۲-۲. مثل همه عصرها

مثل همه عصرها دربرگیرنده ۱۷ روایت از زندگی زنانی است که اسیر روزمرگی‌ها شده‌اند و به این وضع هم عادت کرده‌اند و انگار نمی‌خواهند (نمی‌توانند) از این دنیا بیرون بیایند. آن‌ها فقط گاهی با مرور خاطره‌ای یا دیدن شیئی از دنیای فعلی خود فاصله می‌گیرند و در حرکتی ذهنی به دنیای گذشته خود باز می‌گردند؛ دنیایی که آن را پشت سر گذاشته‌اند و سفر ذهنی‌شان تنها اندوه‌یاد روزهای رفته را بیدار می‌کند. روزهای ملال‌آور زنان داستان‌های پیرزاد، در این مجموعه، خلاف مجموعه‌های بعدی او کوتاه و موجز روایت می‌شود.

داستان اول این کتاب با زنی آغاز می‌شود که به خود هر شب وعده نوشتن کتابی را می‌دهد که روزهاست ذهنش را مشغول کرده است و بالاخره برای این که فراموشش نکند، موضوعش را می‌نویسد و به آینه می‌چسباند تا شاید روز بعد بتواند بنویسد. سرانجام آخرین داستان این کتاب با قصه زنی به اتمام می‌رسد که با آرزوهایی که به هیچ‌کدام دست پیدا نکرده است، راهی روان‌پزشکی می‌شود و خود را گم می‌کند و تنها با قرص‌هایی که می‌خورد به دنبال آرامش است؛ زن آخرین داستان این مجموعه دیگر قابل قبول جامعه و مورد تأیید شوهر نیست؛ فقط به این دلیل که کارهایی را که مورد تأیید دیگران باشد انجام نمی‌دهد. در داستان‌های این مجموعه شیوه روایت پیرزاد قابل توجه است؛ اسلوب نوشتاری او اسلوبی زنانه است که ویژگی‌های خاص مبتنی بر متغیر جنسیت در اسلوب او آغازگر زنانه نویسی خاصی در ادبیات داستانی امروز ایران می‌شود.

۲-۳. هلیدی و زبان‌شناسی نقش‌گرا

هلیدی یکی از پژوهشگران برجسته مکتب زبان‌شناسی انگلستان است که عقیده دارد نقش‌های اجتماعی زبان موجب پدید آمدن شکل دستوری زبان می‌شود. از دید وی، زبان، نظامی از معناهاست و معناست که اساس تعامل اجتماعی قرار می‌گیرد. وی در نظریه خود

به سه سطح و لایه معنایی اشاره می‌کند و آن‌ها را فرانشش می‌نامد و فرانشش‌ها را متنی، بینافردی و اندیشگانی نام‌گذاری می‌کند. هر مؤلفه فرانشش، ابعاد خاص ساختاری خود را دارد (هلیدی، ۲۰۰۴: ۷۲). نیز او معتقد است در فرانشش متنی که بند ویژگی پیام را دارد، بخشی از بند را آغازگر تشکیل می‌دهد؛ این بخش سپس با باقی بند که همان پایان‌بخش است ترکیب می‌شود و پیام را تشکیل می‌دهد.

از نظر فرانشش بینافردی که بر تبادل معنا تأکید دارد دو نقش عمده در یک‌بند وجود دارد: وجه و مانده که این دو بخش خود تقسیم‌بندی‌هایی دارد (هلیدی، ۲۰۰۴: ۶۴ و ۶۶-۶۷). در فرانشش تجربی، معنای گزاره و بازنمود آن را مد نظر دارد. در این فرانشش معنای گزاره به کمک سه عنصر اصلی نشان داده می‌شود: فرایند، شرکت‌کننده‌هایی که در این فرایند دخیل‌اند و موقعیتی که به صورت ادات تجلی می‌کند. انتخاب‌گری‌ها در زبان افراد مختلف، متفاوت است؛ یعنی در هر متنی یا هر اثر ادبی با ذهنیات و تجربیات خاص نویسنده از جهان خارج روبه‌رو هستیم که متفاوت از دیگران است و در تحلیل باید به آن‌ها نظر داشت. با رویکرد به این ویژگی، در تحلیل آثار داستانی، می‌توان هر اثر را جهانی دانست که حاصل تجربیات، ذهنیات و تفکر نویسنده آن اثر است (هلیدی، ۲۰۰۴: ۱۶۹-۱۶۸). هلیدی بر این باور است که مجموعه تجربه‌های جهان درون و بیرون انسان را می‌توان در شش نوع فرایند مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، بیانی و وجودی خلاصه کرد:

۱- فرایند مادی

فرایند مادی بر اعمال فیزیکی از نوع انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارد. شرکت‌کننده‌های این فرایند، کنشگر و کنش‌پذیر هستند؛ مانند «من» در «من خواهم آمد». یا ممکن است دو شرکت‌کننده داشته باشیم؛ مانند «من» در «من چراغ‌ها را خاموش می‌کنم» که در این جا «من» کنشگر است و چراغ‌ها «هدف». کنشگر همیشه در جایگاه فاعل قرار ندارد و در جملات مجهول هدف به جای فاعل قرار می‌گیرد. اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رفتن و پختن افعالی از این دست هستند.

۲- فرایند ذهنی

این فرایند تجربه ما از جهان بر مبنای آگاهی‌مان را نشان می‌دهد و به عبارتی به احساس و ذهنیت مربوط است؛ به این ترتیب، در این گونه فرایند، به اجبار کاری انجام نمی‌شود؛ بلکه چیزی (واکنشی انفعالی) در جهان درون ذهن اتفاق می‌افتد. شرکت

کننده‌ای که در این فرایند، فعالیت ذهنی، حسی و فکری را انجام می‌دهد «حس‌گر» نامیده می‌شود و آن چه به صورت ذهنی در این فرایند درک یا حس می‌شود، «نمود» یا «پدیده» نامیده می‌شود. مثلاً در جمله «من متوجه اشتباهم شدم» نقش کلمه «من» حس‌گر، «متوجه شدم» فرایند ذهنی و «اشتباه» نمود یا پدید است. افعال مصادری چون فکر کردن، دوست داشتن، تصور کردن، خواستن و دیدن جزء این فرایند به شمار می‌آید.

۳- فرایند رابطه‌ای

در این نوع فرایند، رابطه‌ای بین دو مفهوم برقرار می‌شود. فرایند رابطه‌ای به دو دسته اسنادی و هویتی تقسیم می‌شود. شرکت کننده‌ها در فرایند رابطه‌ای اسنادی، حامل یا دارنده یک صفت یا اسناد هستند. در فرایند رابطه‌ای هویتی، یک مدخل، مدخل دیگر را توضیح می‌دهد؛ به طوری که نقش اصلی فرایندهای رابطه‌ای، شخصیت بخشیدن و هویت دادن است. شرکت کننده‌ای که این نوع فرایند را انجام می‌دهد «حامل» نامیده می‌شود؛ مثلاً در جمله «من غمگین هستم»، «من» حامل است. این فرایند با افعال ربطی مانند بودن، شدن و به نظر رسیدن بیان می‌شود.

۴- فرایند رفتاری

فرایند رفتاری در فاصله میان فرایند ذهنی و مادی قرارداد و مربوط به فرایندهای روان‌شناختی فیزیکی است؛ برای نمونه، در مقابل فرایند ذهنی دیدن، فرایند رفتاری نگاه کردن را می‌توان قرارداد یا در مقابل فرایند ذهنی شنیدن، فرایند رفتاری گوش دادن وجود دارد. افعال مصادری مانند تماشا کردن، زل زدن، سرفه کردن و... در شمار این فرایندها قرار می‌گیرند. این فرایندها به طور معمول، به انسان نسبت داده می‌شوند. در این نوع فرایند، فقط یک شرکت کننده به نام «رفتارگر» وجود دارد.

۵- فرایند بیانی

فرایند بیانی نیز در میانه فرایند ذهنی و مادی قرارداد. این فرایند دارای دو شرکت کننده است. یکی کسی که مطلبی را می‌گوید (گوینده)؛ دیگری کسی که دریافت کننده است. افعالی مثل گفتن، اعلام کردن، و پرسیدن از این نوع فرایند است. به این ترتیب که در متون روایی یا مکالمه از این فرایند بسیار استفاده می‌شود.

۶- فرایند وجودی

این نوع فرایند، وجود چیزی یا واقع شدن چیزی را نشان می‌دهد. فرایند وجودی میان فرایند رابطه‌ای و فرایند مادی قرارداد به طور کلی، هر فعلی که معنای وجود داشتن را در بر داشته باشد جزء این فرایند محسوب می‌شود. در این فرایند آن چه معنای وجود داشتن به آن داده می‌شود «موجود» نامیده می‌شود و معمولاً یک عنصر محیطی هم شرکت دارد؛ مثلاً در جمله «او در خانه بود»، «او» موجود، «خانه» عنصر محیطی و «بود» فرایند وجودی است. فرایندهای مادی، ذهنی و رابطه‌ای فرایندهای اصلی‌اند و فرایندهای رفتاری، بیانی و وجودی نیز فرعی هستند.

۳- تحلیل و بررسی داستان‌های کوتاه زویا پیرزاد بر اساس فرایندها

در این مقاله تنها از منظر فرانش تجربی یکی از عناصر اصلی بند یعنی فرایندها مورد بررسی قرار می‌گیرد. با وقوف بر این نکته که زبان بر مبنای نظریه هلیدی، اعمال، تفکرات، رفتارها و دیدگاه کاربران زبان را بازنمایی می‌کند، مشخص می‌شود که نویسنده در متن داستان با انتخاب‌هایی که از میان امکانات متعدد زبانی در دسترس دارد، دست به گزینش‌هایی می‌زند که در نظام زبانی‌اش، تفکرات، کردارها، نیات و رفتارهای خود و شخصیت‌های داستانی را نمایان می‌کند. در پژوهش پیش رو، برای اثبات فرضیه، شش داستان کوتاه زویا پیرزاد از مجموعه داستان سه کتاب (۱۳۸۶) با این رویکرد تحلیل و بررسی شد. این داستان‌ها عبارت‌اند از:

«مثل بهار»، (۳۶-۳۹)، «همسایه‌ها»، (۶-۷)، «قصه خرگوش و گوجه فرنگی» (۳-۵)، «زمستان»، (۱۶-۱۸)، «گل‌های وسط آن روتختی»، (۴۵-۴۸)، «یک زندگی» (۲۸-۲۹)، درگاهی پنجره (۸-۱۰)، لیوان دسته‌دار (۱۱-۱۵)، لکه (۱۹-۲۲) نیمکت روبرو (۲۳-۲۷).

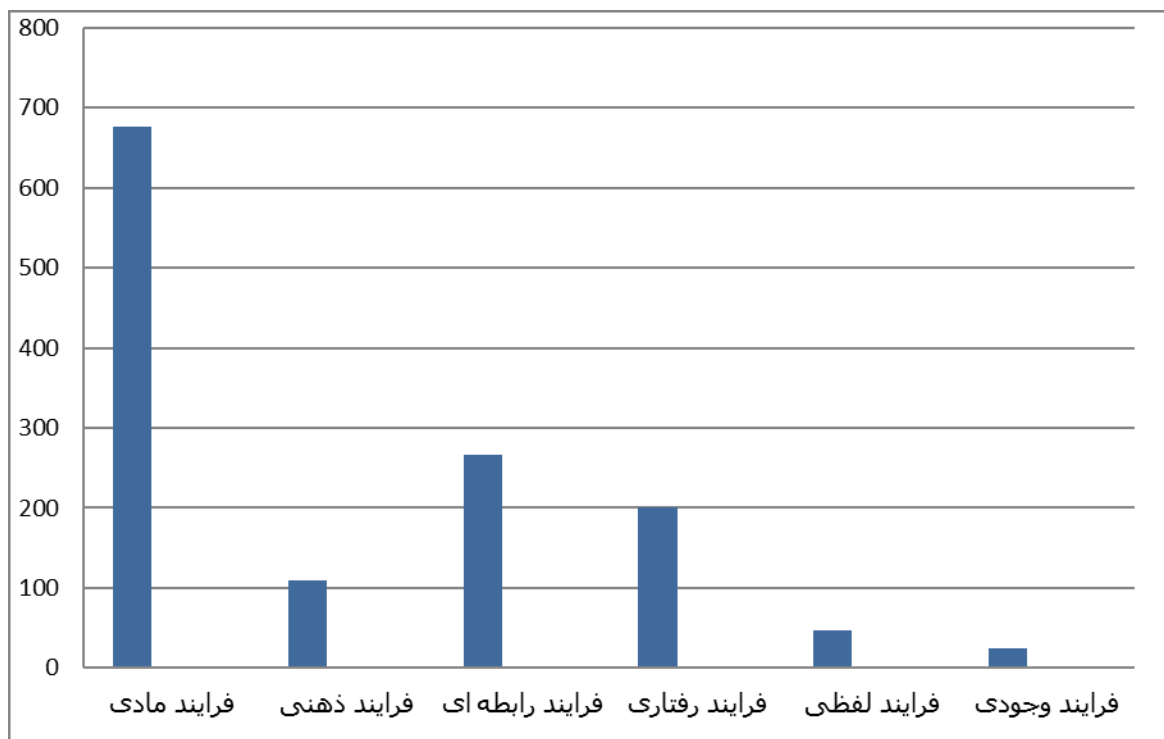
ابتدا تمام افعال موجود در این داستان‌ها، با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا و بر اساس نوع فرایندهای به‌کاررفته، مشخص شد و سپس بسامد موجود در این متون تعیین شد که به عنوان مشخصه سبکی آثار پیرزاد در نظر گرفته می‌شود و بدین‌سان راه را برای شناخت شخصیت او از رهگذر گزاره‌های مندرج در آثارش هموار می‌سازد. نتایج تحلیل در جدول زیر نشان داده شده است:

نوع فرایند	قصه‌ی خرگوش و گوجه فرنگی	همسایه‌ها	درگاه ی پنجره ه	لیوان دسته‌دار	زمستان	ل که	نیمکت روبرو	یک زندگی	مثل بهار	گل‌های وسط آن روتختی	جمع کل
------------	--------------------------	-----------	-----------------	----------------	--------	------	-------------	----------	----------	----------------------	--------

۶۷	۶۴	۸۳	۴۳	۱۲۹	۵۷	۵۷	۲	۵۱	۳۹	۸۲	مادی
۷											
۱۰۹	۴	۸	۳	۲۱	۱۹	۰		۲۳	۳	۲۲	ذهنی
۲۶	۲۸	۴۱	۱۵	۴۵	۴۵	۱۲	۵	۱۷	۲	۱۶	رابطه‌ای
۶											
۲۰۰	۱۳	۱۹	۲۰	۲	۳۹	۸		۱۹	۹	۱۹	رفتاری
				۷			۷				
۴۷	۱۳	۸	۳	۵	۰	۰		۳	۶	۴	لفظی
۲۴	۲	۱	۳	۶	۲	۰		۴	۱	۱	وجودی

جدول (۱) بسامد انواع فرایند در داستان‌های کوتاه زویا پیرزاد

به طور کلی فرایندهای مادی در این داستان‌ها بیشترین درصد کاربرد را دارد. نویسنده در این داستان‌ها با توجه به این بسامد در فرایند مادی نشان می‌دهد که شخصیت‌های داستانی با جهان بیرون و کنش‌پذیری و نقش‌پذیری ارتباط بیشتری دارند.



نمودار (۱)

بسامد کمتر فرایندهای ذهنی نشان از این دارد که نویسنده با این کاربرد، دریافت‌ها و احساسات و ویژگی‌های ذهنی خود و شخصیت‌های داستانی را که از دیدگاه سوم شخص روایت کرده‌است کمتر دخالت داده است؛ همچنین کاربرد کم‌بسامد فرایندهای رابطه‌ای نیز به این معناست که نویسنده کمتر، به تجربیات ذهنی و انتزاعی پرداخته است.

۴- دستاورد تحقیق

با تحلیل و بررسی انجام‌شده، می‌توان کاربست فرایند مادی و رابطه‌ای را به عنوان مشخصه سبک‌شناختی داستان‌های پیرزاد معرفی کرد. استفاده بیشتر از فرایند مادی تأکیدی بر این مدعا است که در نثر وی، که انعکاسی از ذهن او است، دیدگاهی واقع‌گرایانه حاکم است و بسامد رابطه‌ای از این روست که نویسنده در ضمن بیان واقعیات قصد در توصیف فضای داستان دارد. فراوانی فرایندهای رفتاری نشان دهنده توجه و تمرکز نویسنده به رفتارهای شخصیت‌های داستان است. پس به طور کلی او در بیشتر داستان‌هایش با نگرشی واقع‌گرایانه مسائل پیرامون خود را آن‌گونه که هست به تصویر کشیده است.

کتابنامه

۱. اعلائی، مریم و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی: در چهارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی از منظر فرانتش بینافرادی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره هفدهم: صص ۲۲۸-۲۲۱.
۲. الحسینی، راضیه‌سادات و دیگران. (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتو نظریه نقش‌گرای هلیدی»، دوماهنامه جستارهای زبانی، هفتم، دوم: صص ۱۴۲-۱۲۳.
۳. ایران‌زاده، نعمت‌الله و مرادی، کبری. (۱۳۹۴). «بررسی شعر یادداشت‌های درد جاودانگی» قیصر امین‌پور بر اساس نظریه نقش‌گرای هلیدی»، متن پژوهی ادبی، نوزدهم، شصت و پنجم: صص ۲۲-۷.
۴. ایشانی، طاهره. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، چاپ اول: صص ۳۴-۱۹.
۵. آقاگل زاده، فردوس و دیگران. (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقش‌گرا»، فصل‌نامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، اول: صص ۲۵۴-۲۴۳.
۶. پورنامداریان، تقی و ایشانی، طاهره. (۱۳۸۹). «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال هجدهم، شصت و هفتم: صص ۴۳-۷.
۷. پهلوان نژاد، محمدرضا و وزیرنژاد، فائزه. (۱۳۸۸). «بررسی سبکی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با رویکرد فرانتش بینافرادی نظریه نقش‌گرایی»، ادب پژوهی، شماره هفتم و هشتم: صص ۷۷-۵۱.
۸. پیرزاد، زویا. (۱۳۹۱ الف). سه کتاب، چاپ بیست و چهارم، تهران: مرکز.
۹. ترکمانی باراندوزی، وجیهه و چمنی، گلزار. (۱۳۹۳). «پرسونا از دیدگاه زویا پیرزاد»، بهارستان سخن (فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی)، سال یازدهم، شماره بیست و ششم: صص ۱۶۲-۱۴۵.
۱۰. جرفی، محمد؛ یادگاری، مریم. (۱۳۹۵). «سبک‌شناسی و جهان‌بینی بشاربن برد براساس رویکرد نقش‌گرا»، دو فصلنامه جستارهایی در زبان و ادبیات عرب، اول، دوم، ۶۷ صص-۷۷.
۱۱. حائری، شهلا؛ رودبار محمدی، سمانه. (۱۳۹۰). «بررسی وجوه زیباشناسی نوشتار زویا پیرزاد در سه مجموعه داستان مثل همه عصرها، طعم گس خرمالو و یک روز مانده به عید پاک».

۱۲. حری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «کارکرد تصریف در دو سوره قرآنی به داستان آفرینش در پرتو فرا کارکرد متنی هلیدی»، *پژوهش‌های زبان خارجی*، شماره پنجاه و پنجم: صص ۱۱۶-۱۰۱.
۱۳. حسن‌زاده دستجردی، بتول. (۱۳۸۴). نقد و بررسی آثار زویا پیرزاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. خان‌جان، علیرضا و میرزا، زهرا. (۱۳۸۵). «درآمدی به شعرشناسی نقش‌گرا، رویکردی زبان-شناختی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره هفتم: صص ۱۰۱-۸۳.
۱۵. خرسند، مریم. (۱۳۹۱). *بررسی تکنیک‌های روایت در آثار زویا پیرزاد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان.
۱۶. خطیبی، محمدمهدی؛ علوی‌مقدم، مهیار. (۱۳۹۶). «بررسی آغازگرهای فرانتش متنی در عبهرالعاشقین روزبهان بقلی»، *دوماهنامه جستارهای زبانی*، شماره ۶، پیاپی ۴۱، بهمن و اسفند: صص ۴۵-۲۳.
۱۷. رضایی، حدائق و علی‌پور، محمد. (۱۳۹۱). «بررسی متون خوانداری مجموعه «فارسی بیاموزیم» براساس نقش‌های هفت‌گانه‌ی زبان از دیدگاه هلیدی»، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*، شماره دوم: صص ۱۷۹-۱۶۳.
۱۸. رمضانی، احمد و رستم بیک تفریشی، آتوسا. (۱۳۹۴). «تحلیل متن کتاب زبان انگلیسی هفتم بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال پانزدهم، شماره سوم: صص ۷۶-۵۹.
۱۹. سراج، سید علی. (۱۳۹۲). «مطالعه دستور نقش‌گرای هلیدی در ده رمان از داستان‌نویس زن ایرانی»، *فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، سال دوم، شماره دوم: صص ۷۷-۶۱.
۲۰. عاصی، مصطفی و نوبخت، محسن. (۱۳۹۰). «تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آن‌گاه پس از تندر)؛ رویکردی نقش‌گرا» *زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، دوم: صص ۹۸-۶۹.
۲۱. عرب زوزنی، محمدعلی و پهلوان‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی آغازگر نشان‌دار و بی‌نشان در کتب زبان انگلیسی مقطع متوسطه در ایران، براساس رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، *دوماهنامه جستارهای زبانی*، سال ششم، شماره سوم: صص ۲۱۴-۱۸۹.
۲۲. فرهنگی، سهیلا و صدیقی چهارده، زهرا. (۱۳۹۲). «خوانش رمزگان اجتماعی در مجموعه داستان طعم گس خرمالو، اثر زویا پیرزاد- با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی»، *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره بیست و نهم: صص ۵۶-۳۳.

۲۳. فقه‌ملک‌مرزبان، نسرين و محبی‌تبار، پروانه. (۱۳۹۲). «بررسی نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس بر مبنای نظریه نظام‌مند نقشی هلیدی در اشعار قیصر امین پور»، *دو فصلنامه دانشگاه الزهراء، سال پنجم، شماره نهم*: صص ۲۲۵-۱۹۹.
۲۴. قاضی‌زاده، خلیل و قنسولی، بهزاد. (۱۳۸۹). «بررسی گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسایل نقلیه برون‌شهری براساس نظریه نقش‌های هفت‌گانه زبان از دیدگاه هلیدی»، *مجله مطالعات زبان و ترجمه، شماره اول*: صص ۱۲۵-۱۱۱.
۲۵. کالر، جان‌اتان. (۱۳۷۹). *فردینان دوسوسور، ترجمه کوروش صفوی*، تهران: هرمس.
۲۶. گلی، احمد و محمدی، فرهاد و نظری، سمیرا. (۱۳۸۹). «روایت گذر از سنت مدرنیته در داستان «طعم‌گس خرما‌لوی زویا پیرزاد»، ششم، شانزدهم: صص ۹۸-۸۱.
۲۷. گودرزی‌نژاد، آسیه. (۱۳۸۸). «شخصیت‌پردازی در رمان چرا؛ ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد»، *فصلنامه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد خوی، سال پنجم، شماره چهاردهم*: صص ۱۷۲-۱۵۵.
۲۸. محمدی کردیانی، محسن. (۱۳۹۵). *زویا پیرزاد و زمان-بررسی روایت زمان در سه اثر برگزیده زویا پیرزاد براساس نظریه ژرار ژنت*، مشهد: نسیم رضوان.
۲۹. مسبوق، مهدی؛ دلشاد، شهرام. (۱۳۹۵). «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، چهارم، صص ۱۳۰-۱۱۴*.
۳۰. مصطفوی، پونه و صنعتی، مرضیه. (۱۳۹۵). «بررسی سبکی یک داستان کوتاه معاصر از منظر نقش‌گرایی هلیدی»، *زبان و زبان‌شناسی*: صص ۱۵۶-۱۳۱.
۳۱. مولایی کوهبنانی، حامد و دیگران. (۱۳۹۴). «مطالعه خروج بند موصولی در متون روایی زبان فارسی با رویکردی نقش‌گرا: شواهدی از جلد‌های پنجم تا هفتم تاریخ بیهقی»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*: صص ۶۹-۴۵.
۳۲. نجار همایونفر، فرشید. (۱۳۹۳). «مقایسه تطبیقی فمینیسم در چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد و گل‌های داوودی اثر جان اشتان‌بک»، *نشریه ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره یازدهم*، صص ۳۹۹-۳۸۱.
۳۳. نقابی، عفت؛ قربانی جویباری، کلثوم. (۱۳۸۹). «شانه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران، زبان و ادبیات فارسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال هشتم، شماره شصت و هفتم*: صص ۱۹۳-۲۱۶.

۳۴. نیکوبخت، ناصر و دیگران. (۱۳۹۱). «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد»، فصلنامه نقد ادبی، پنجم، هجدهم: صص ۱۱۹-۱۵۲.
۳۵. وزیرزاد، فائزه. (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با رویکرد نقش‌گرایی هلییدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد.

36. Halliday M. (1973). *Explorations in the function of language*. London: Edward Arnold.

The Study and Evaluation of textual meta-functions in Zoya Pirzad's Short story, "Like Every Evening" from the viewpoint of Halliday's Functional Theory

Hassan delbary Nasrin Sadeghi Nia
Hakim Sabzevari University
Sabzevar-Iran

Abstract

Prior to the emergence of new linguistics' standpoints, the unit of language study, in general, was "sentence", but in modern viewpoints including functional linguistics, the text is also taken into consideration. As a functional linguist, Halliday has studied the textual structure of a sentence and also has evaluated the form in association with meaning and function. This essay is theoretically based on Halliday's "systemic functional linguistics" and the main point in this essay is the study of the author's way of thinking and his internal world in terms of the study of sort of verb processes and also determination of their frequencies and repetitions. In line with this purpose, the body of this essay studies the verbs available in Zoya Pirzad's short stores using a descriptive-analytical method. To do so, the researcher categorized the text of Pirzad's 10 short stories into 6 processes; that is, material, cognitive, communicative, behavioral, verbal and existential. Evaluating the function patterns of these processes along with their frequencies, the researcher determined the author's attitude and way of thinking. At the end, it was concluded that material and then communicative processes are the distinctive characteristics of Zoya Pirzad's style in short story. With respect to his frequent usage of material process, we can come to the conclusion that he has realistic viewpoint.

Key words: Halliday, systemic functional linguistics, textual meta-functions, *Like Every Evening*, Zoya Pirzad.

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University

(corresponding author): Hassan.delbary@gmail.com

2. M.A Student of Persian Language and Literature, Comparative Literature, Hakim Sabzevari University: bahare91411@chmail.ir

Received: 19/06/2017 Accepted: 08/1/2018

